

اضطراب مادران پس از بستری شدن کودکان در بیمارستان، قبل و بعد از ترخیص آنان

سیده فاطمه قاسمی*، صدیقه خنجری**، ام سلمه واصفی***، حمید حقانی

چکیده

مقدمه: بستری شدن کودک در بیمارستان یک رویداد اضطراب زا برای کودک و والدین او محسوب می‌شود. این امر می‌تواند کودک را تحت الشعاع قرار داده و علاوه بر آن که بهبودی وی را به تاخیر می‌اندازد، از کارآیی والدین در امر مراقبت از او نیز بکاهد. این اضطراب ممکن است تا مدتها بعد از ترخیص کودک هم ادامه داشته باشد.

هدف: تعیین میزان اضطراب مادران پس از بستری، قبل و بعد از ترخیص کودکان خود از بیمارستان

نوع پژوهش: مطالعه حاضر یک مطالعه طولی است که در آن میزان اضطراب مادران پس از بستری شدن کودکانشان، قبل و بعد از ترخیص آنان مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت. جهت گردآوری اطلاعات در این سه مرحله از پرسشنامه اسپیل برگر استفاده شد.
نمونه: تعداد ۷۰ نفر از مادران کودکان ۱-۳ ساله بستری در بیمارستانهای خرم آباد انتخاب شدند و جهت انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری مستمر استفاده گردید.

نتایج: به کارگیری آزمون t زوج نشان داد که بین میزان اضطراب مادران پس از بستری شدن کودکانشان در بیمارستان با میزان اضطراب آنان قبل از ترخیص و بعد از ترخیص کودکان تفاوت آماری معنی داری وجود دارد ($pV=0/000$). ضمناً تفاوت آماری معنی داری بین میزان اضطراب مادران قبل و بعد از ترخیص کودکان از بیمارستان مشاهده گردید ($pV=0/000$).

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به وجود اضطراب در مادران، در سه مرحله پس از بستری، قبل و بعد از ترخیص کودکان پیشنهاد می‌شود پرستاران تاریخچه کاملی از خصوصیات دموگرافیک مادران در بدو پذیرش بدست آورند تا براساس این خصوصیات برنامه ریزی لازم جهت کاهش اضطراب مادران بعمل آید، همچنین به پرستاران توصیه می‌شود که در هنگام ترخیص کودک شماره تلفنی را در اختیار والدین بگذارند تا در صورت لزوم بتوانند مشکلات خود را مطرح و راه حل دریافت نمایند. انجام تحقیقاتی مشابه در بررسی میزان اضطراب پدران پیشنهاد می‌گردد تا براساس آن بتوان آنها را در امر مراقبت کودک سهمیم نمود.

واژه‌های کلیدی: اضطراب پس از بستری، اضطراب بعد از ترخیص مادران، کودکان

*کارشناس ارشد پرستاری (مؤلف مسئول)

** عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران

*** عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران

مقدمه

بستری شدن در بیمارستان یک موقعیت تنش زا را برای فرد و خانواده او بوجود می‌آورد. چنانچه فرد بستری شده کودک باشد، جهت سازگاری بیشتر نیاز به حمایت داشته و این امر مشکل را حادتر می‌سازد (Tiedman ۱۹۹۷).

Lansdown (۱۹۹۶) معتقد است بیماری و بستری شدن، کودک و والدین او را آسیب‌پذیر می‌نماید و این موضوع برای کودک و والدین یک تهدید محسوب می‌شود. در این راستا Whaley & Wong (۱۹۹۱) می‌نویسند: بیماری کودک و بستری شدن در بیمارستان به درجات مختلف بر عملکرد خانواده اثر می‌گذارد. زیرا خانواده یک سیستم است و هرگونه تغییری در هر یک از اجزای این سیستم کل سیستم را درگیر می‌کند.

دوگاس (۱۳۷۰) می‌نویسد: در صورتیکه یکی از کودکان خانواده بیمار شود والدین دچار اضطراب و احساس گناه می‌شوند چرا که خود را مسئول بیماری کودک دانسته و احساس درماندگی و ناتوانی می‌کنند.

Tiedman (۱۹۹۷) در مورد اضطراب والدین می‌نویسد اضطراب والدین نه تنها در زمان بستری شدن کودک وجود دارد بلکه این اضطراب ممکن است تا بعد از ترخیص کودک از بیمارستان نیز ادامه یابد. این امر ناشی از بستری شدن کودک و عدم آگاهی والدین و کامل نبودن اطلاعات آنها در مورد بیماری کودک می‌باشد که عدم سازگاری و کاهش توانایی مادر در حمایت از کودک از اثرات سوء اضطراب بعد از ترخیص می‌باشد.

در سالهای اخیر با وجود پیشرفتهای زیادی که در زمینه پیشگیری و درمان بیماری صورت گرفته سالانه تعداد زیادی از کودکان به دلایل گوناگون در بیمارستان بستری می‌شوند. بطوریکه آمار ۱۹۹۳ نشان میدهد در کشور انگلستان سالانه ۱۰٪ کودکان ۴-۰ سال و ۷٪ کودکان ۱۵-۵ سال در بیمارستان

بستری می‌شوند Lansdown (۱۹۹۶) نوریان (۱۳۷۶) به نقل از عبدالسلامی اظهار میدارد که حدود ۳۰٪ کودکان حداقل یکبار در دوران کودکی خود در بیمارستان بستری می‌شوند و ۵٪ نیز چندین بار سابقه بستری شدن در بیمارستان را دارند. با توجه به موارد فوق تعیین و اندازه‌گیری میزان اضطراب مادران در سه مرحله پس از بستری، قبل و بعد از ترخیص کودکان خود از بیمارستان و اقدام در جهت رفع آن یکی از اقدامات اولیه افراد و سازمانهای بهداشتی در سطح جامعه بخصوص پرستاران می‌باشد. پژوهش حاضر با این هدف انجام شده که میزان اضطراب مادران را در این سه مرحله (پس از بستری، قبل و بعد از ترخیص کودکان) بر حسب سن، جنس، طول مدت بستری، سابقه بستری شدن قبلی کودک و سن، میزان تحصیلات و اشتغال بکار مادر مشخص نماید تا از این طریق از یکسو در امر پیشگیری اولیه و از سوی دیگر در امن نگه داشتن بخش و محیط خانواده در این سه مرحله موثر واقع گردد. زیرا که مادران رکن اصلی در امر مراقبت کودکان می‌باشند و وضعیت روحی و روانی آنان تاثیر بسزایی در امر مراقبت کودکان دارد.

فرضیه‌ها

۱- میزان اضطراب مادران پس از بستری کودکان خود با میزان اضطراب آنان قبل از ترخیص کودکان خود از بیمارستان متفاوت است.

۲- میزان اضطراب مادران پس از بستری کودکان خود با میزان اضطراب آنان بعد از ترخیص کودکان خود از بیمارستان متفاوت است.

۳- میزان اضطراب مادران قبل از ترخیص کودکان خود با میزان اضطراب آنان بعد از ترخیص کودکان خود از بیمارستان متفاوت است.

مواد و روشها

جمع آوری با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از آمار توصیفی به منظور توصیف اطلاعات گردآوری شده از طریق تعیین درصد، میانگین و انحراف معیار بوده و از آمار استنباطی جهت تعیین و مقایسه میزان اضطراب مادران در سه مرحله استفاده شده است. در ابتدا میزان اضطراب مادران در سه مقطع زمانی تعیین و برای مقایسه دو به دوی آنها از آزمون «تی زوج» استفاده گردید و برای تعیین مداخله گر بودن یا نبودن متغیرهای سن، جنس، طول مدت بستری کودک و سابقه بستری قبلی او و سن، میزان تحصیلات و وضعیت اشتغال بکار مادر از آزمون آنالیز واریانس و تی مستقل استفاده گردید.

نتایج

در این پژوهش از بین ۷۰ مادری که مورد بررسی قرار گرفتند ۸/۴۵٪ در گروه سنی ۲۴-۲۰ سال و ۷/۱٪ در گروه سنی ۲۰ و ۲۰ < سال قرار داشتند ($X^- \pm sd = 26/04 \pm 7/38$) و ۳۸/۶٪ تحصیلات دبیرستانی و ۱۷/۱٪ تحصیلات دانشگاهی داشتند. ۷۲/۹٪ خانه دار بوده و ۵۰٪ آنها وضعیت اقتصادی متوسط و ۱۵/۷٪ آنها وضعیت اقتصادی بدی داشتند. ۷/۵۵٪ در زمان بستری کودک خود جهت نگهداری سایر فرزندان در منزل مراقب ثابتی نداشتند. ۵۵/۷٪ دارای یک فرزند و ۲/۹٪ آنها دارای ۵ فرزند بودند. ۳۸/۵٪ از آنها کودکان بستری ۱۸-۱۲ ماه و ۱۵/۸٪ کودکان بستری ۳۰-۲۵ ماه داشتند و ۷۰٪ از این کودکان پسر و ۵۷/۱٪ تنها فرزند خانواده و ۹/۲٪ فرزند پنجم خانواده بودند. ۸۱/۴٪ آنها تحت پوشش بیمه بودند و ۷۰٪ سابقه بستری شدن قبلی نداشته و ۴/۳٪ آنها حداقل سه بار سابقه بستری قبلی داشتند. ۵۱/۴٪ حداقل ۴ روز بستری و ۴/۳٪ از آنان ۶ روز و یا بیشتر از ۶ روز بستری بودند. ۳۱/۵٪ با تشخیص بیماری ریوی و ۹/۸٪ با تشخیص بیماری‌های استخوانی در بخش بستری بودند.

نتایج نشان داد که ۶۰٪ واحدهای مورد پژوهش در مرحله پس از بستری کودکان خود دارای اضطراب متوسط و ۱۸/۵٪ دارای اضطراب خفیف بودند ($X^- \pm sd = 97/9 \pm 19/7$)

پژوهش حاضر یک مطالعه طولی است که با هدف تعیین تغییرات میزان اضطراب مادران پس از بستری، قبل و بعد از ترخیص کودکان خود از مراکز آموزشی درمانی شهر خرم آباد در سال ۱۳۷۹ انجام گرفته است. در این پژوهش تعداد نمونه ۷۰ مادر کودک ۳-۱ ساله بستری بودند که خود و کودکان آنان مبتلا به اختلال روانی و یا بیماری صعب‌العلاجی نبوده و با همسر خود (پدر کودک) زندگی می‌کردند. اطلاعات مورد نیاز پژوهش در طول سه ماه (از اوایل مرداد تا اواخر مهرماه سال ۱۳۷۹) طی سه مرحله جمع آوری شد. مرحله اول ۲۴ ساعت بعد از بستری شدن کودک، مرحله دوم ۲۴ ساعت قبل از ترخیص کودک و مرحله سوم ۱۳-۷ روز بعد از ترخیص کودک از بیمارستان بود. پژوهشگر برای جمع آوری اطلاعات مرحله یک و دو در شیفت عصر به واحدهای مربوطه مراجعه می‌نمود. در ضمن برای آگاهی از زمان ترخیص کودک از پرونده‌ها، سرپرستار بخش و پزشک معالج اطلاع کسب می‌نمود.

برای جمع آوری اطلاعات مرحله سوم از طریق آدرسهای موجود در پرونده‌ها با توجه به کسب رضایت قبلی از خانواده به درب منازل واحدهای مورد پژوهش مراجعه می‌نمود. برای جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده گردید که بخش اول آن مربوط به متغیرهای زمینه‌ای و مداخله گر شامل ۱۵ سوال و بخش دوم مربوط به پرسشنامه استاندارد شده اسپیل برگر بود. آزمون اسپیل برگر اضطراب آشکار و پنهان فرد را می‌سنجد. این آزمون دارای ۴۰ سوال می‌باشد. ۲۰ سوال اول اضطراب آشکار را مشخص می‌نماید که مادر بر اساس احساسی که هنگام پاسخگویی دارد به سوالات پاسخ می‌دهد. هر سوال این قسمت دارای ۴ گزینه (هرگز، تاحدی، نسبتاً زیاد، خیلی زیاد) می‌باشد. سوالات ۲۱-۴۰ آزمون جهت سنجش اضطراب پنهان می‌باشد که مادر بر اساس احساسی که اغلب اوقات دارد به این سوالات پاسخ می‌دهد. هر سوال دارای ۴ گزینه (تقریباً هرگز، گاهی، اغلب و تقریباً همیشه) است. پس از هم سو کردن سوالات امتیاز کل محاسبه شده و افراد با امتیاز (۷۹-۴۰) در گروه اضطراب خفیف و (۱۱۹-۸۰) اضطراب متوسط و (۱۶۰-۱۲۰) اضطراب شدید دسته بندی می‌گردند. داده‌ها پس از

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش حاکی از این بود که فرضیه اول پژوهش مورد تایید قرار گرفت یعنی میزان اضطراب مادران پس از بستری شدن کودکانشان در بیمارستان با میزان اضطراب آنان هنگامی که کودکان آماده ترخیص بودند تفاوت داشت. با نگاهی اجمالی می‌توان گفت که مادران به هنگام بستری شدن کودکان خود مضطرب‌تر از زمانی هستند که کودکان آماده ترخیص می‌باشند. Tiedman (۱۹۹۷) نیز در بررسی خود نشان داد که بین اضطراب مادر در مرحله پس از بستری و قبل از ترخیص کودک خود تفاوت آماری معنی داری وجود دارد. نتایج نشان داد که بین اضطراب مادران در دو مرحله پس از بستری و بعد از ترخیص کودک نیز تفاوت آماری معنی دار وجود دارد (PV= ۰/۰۰۰) بنابراین فرضیه دوم پژوهش نیز مورد تایید واقع گردید یعنی می‌توان گفت که میزان اضطراب هنگامی که کودکانشان از بیمارستان ترخیص شده‌اند کمتر از زمانی است که در بیمارستان بستری می‌شوند. Tiedman (۱۹۹۷) نیز در بررسی خود نشان داد که بین اضطراب مادر در دو مرحله پس از بستری و بعد از ترخیص کودک تفاوت آماری معنی دار وجود دارد.

نتایج پژوهش همچنین حاکی از این بود که بین اضطراب مادران در مرحله قبل و بعد از ترخیص کودکان خود تفاوت آماری معنی دار وجود دارد (PV=۰/۰۰۰). لذا فرضیه سوم پژوهش نیز مورد قبول واقع شد. یعنی می‌توان گفت که اضطراب مادران پس از آن که کودکانشان از بیمارستان ترخیص می‌شوند کاهش می‌یابد و نسبت به زمانی که آماده ترخیص هستند تفاوت پیدا می‌کند. Tiedman (۱۹۹۷) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسید که بین اضطراب مادر در دو مرحله قبل و بعد از ترخیص کودک خود تفاوت آماری معنی دار وجود دارد.

یافته‌های پژوهش حاکی از این بود که بین اضطراب مادر در مرحله قبل و پس از ترخیص کودک از بیمارستان و متغیر میزان تحصیلات مادر رابطه آماری معنی دار وجود دارد (< ۰/۰۱ PV). سیگاری (۱۳۷۴) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که

در مرحله قبل از ترخیص ۷/۶۵٪ دارای اضطراب متوسط و ۷/۵٪ آنها دارای اضطراب شدید بودند $18/5 \pm 90/2$ = در مرحله بعد از ترخیص ۱/۵۷٪ مادران مورد مطالعه دارای اضطراب متوسط و ۱/۵٪ آنان دارای اضطراب شدید بودند $18/65 \pm 52/2$ = نتایج آزمونهای آماری نشان داد که میزان اضطراب مادران در مرحله پس از بستری، قبل و بعد از ترخیص تفاوت معنی دار داشتند (P=۰/۰۰۰) ضریب همبستگی پیرسون نمره اضطراب مادران پس از بستری کودکان و قبل از ترخیص کودکان $0/83$ = بوده و ۶۹٪ اضطراب مادران قبل از ترخیص ناشی از اضطراب آنان پس از بستری کودکانشان بوده است. نتایج همچنین نشان داد که ضریب همبستگی نمره اضطراب مادران پس از بستری و بعد از ترخیص کودکان $81/0$ = بوده و ۶۶٪ اضطراب مادران بعد از ترخیص کودکان ناشی از اضطراب آنان پس از بستری کودکانشان بوده است. همچنین نتایج بیانگر آن بود که ضریب همبستگی پیرسون نمره اضطراب مادران قبل و بعد از ترخیص کودکان خود $0/90$ = بوده و ۸۱٪ اضطراب مادران بعد از ترخیص کودکان ناشی از اضطراب آنان قبل از ترخیص کودکان بوده است (جدول شماره ۱).

نتایج نشان داد که بین اضطراب مادر در مرحله قبل و بعد از ترخیص و متغیر میزان تحصیلات مادر (< ۰/۰۱ P) و همچنین بین اضطراب مادر در مرحله بعد از ترخیص کودک و متغیر وضعیت اشتغال بکار او رابطه معنی دار وجود دارد (< ۰/۰۴ P).

جدول شماره ۱: میزان اضطراب مادران در سه مرحله پس از بستری، قبل و بعد از ترخیص کودکان آنان (n=۷۰)

مرحله

میزان اضطراب مادر	پس از بستری	قبل از ترخیص	بعد از ترخیص
خفیف	۱۳ (۱۸/۵)	۲۰ (۲۸/۶)	۲۹ (۴۱/۴)
متوسط	۴۲ (۶۰)	۴۶ (۶۵/۷)	۴۰ (۵۷/۱)
شدید	۱۵ (۲۱/۵)	۴ (۵/۷)	۱ (۱/۵)

اضطراب مادران

سیده فاطمه قاسمی و همکاران

پزشکی شهر تهران، سال ۱۳۷۳، پایان نامه کارشناس ارشد پرستاری مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایران، ص ۱۶۲
نوریان، معصومه. (۱۳۷۶)، بررسی تاثیر مشارکت مادر در امر مراقبت از کودک بیمار و بستری (در سنین ۶ ماه تا ۳ سال) بر میزان اضطراب آنان در بیمارستانهای آموزشی کودکان مفید وابسته به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی ۱۳۷۵، پایان نامه کارشناسی ارشد پرستاری دانشکده پرستاری مامایی شهید بهشتی، ص ۱۶۵

Lansdown R., (1996), *children in hospital*. Oxford University press, New York, pp:364-187

Tiedman M E., (1997), *Anxiety responses of Parents. The hospitalization of their 5 to 11 year old children*. journal of pediatric nursing. 12(2)110-119

Whaly L. Wong D., (1991). *Nursing care of infant and children*. Mosby year books. pp:368

عامل سواد و تحصیلات مادران در بالا بردن میزان آگاهی آنان در مورد سیر بیماری، درمان و محیطهای مختلف بیمارستانی و همچنین دریافت و فهم بهتر اطلاعات کسب شده نقش بسزایی داشته و با بالا رفتن سطح تحصیلات از شدت عوامل تنیدگی آور کاسته می شود.

همچنین نتایج پژوهش حاکی از این بود که بین اضطراب مادر در مرحله بعد از ترخیص و متغیر اشتغال بکار مادر رابطه آماری معنی دار وجود دارد ($PV < 0/04$)، در حالیکه سیگاری (۱۳۷۴) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که بین وضعیت اشتغال بکار مادر و میزان شدت عوامل تنیدگی آور ناشی از بستری شدن کودک آنان رابطه آماری معنی داری وجود ندارد.

با توجه به وجود اضطراب مادر در سه مرحله پس از بستری، قبل و بعد از ترخیص کودک از بیمارستان و ارتباط آن با متغیرهایی از قبیل میزان تحصیلات و اشتغال بکار مادر توصیه می شود پرستاران در بدو پذیرش کودک تاریخچه کاملی از اطلاعات دموگرافیک مادر و کودک بدست بیاورند تا براساس این تاریخچه بتوانند تدابیر لازم را در جهت کاهش اضطراب مادران بعمل آورند. همچنین توصیه می شود پرستاران شماره تلفنی در زمان ترخیص کودکان در اختیار والدین قرار دهند تا والدین بتوانند در صورت نیاز با آنها تماس حاصل نمایند. در ضمن پیشنهاد می گردد بررسی مشابهی در زمینه میزان اضطراب پدران انجام گیرد تا بتوان بر اساس آن پدران را در امر مراقبت کودک سهیم نمود. همچنین پیشنهاد می شود علل اضطراب در مادران شاغل بررسی شود تا بتوان تدابیر لازم را جهت کاهش اضطراب آنان بعمل آورد.

منابع

دوگاس. (۱۳۷۰)، اصول مراقبت از بیمار، گروه مترجمین، تهران، ص ۲۱۰
سیگاری، بهناز. (۱۳۷۴)، بررسی عوامل تنیدگی آور و شدت آنها در مادران اطفال بستری در بخشهای ویژه کودکان بیمارستانهای وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش

STUDY OF MATERNAL ANXIETY AFTER HOSPITALIZATION OF THEIR CHILDREN, BEFORE AND AFTER HIS/HER DISCHARGE

Ghasmee, F. MS¹ Khanjaree, S. MS² Vasefi, M., MS² Haghani, H. MS³

ABSTRACT

Background: Child hospitalization is one of the anxiety producing factors for both the child and his/her parents. Anxiety will delay the child recovery and decrease the parent's abilities in caring for their children. The anxiety may be present long after discharge.

Objective: To determine the level of maternal anxiety after child's hospitalization and also before and after child's discharge from hospital.

Design: This was a longitudinal study. The level of mother's anxiety was measured using spilbarger questionnaire at three stages of after hospitalization, before and after child's discharge .

Samples: 70 mothers of hospitalized children (age 1-3) were selected through continuo's sampling.

Results: There was a significant difference between the level of mother's anxiety after child hospitalization and before and after his/her discharge (PV= 0.000).

Conclusion: According to mother's anxiety in three stage (after hospitalization, before and after discharge) researcher recommend that nurses, take a complete demographic history of mothers at the time of admission so that they can plan a program to decrease mother's anxiety and also provide them with a telephone number so that in case of any question they can in touch after their child's discharge.

Key Words: Maternal anxiety, anxiety of mother with hospitalized child, pre and post discharge anxiety of mother with hospitalized child.

¹ - Ms in Nursing

² - Senior lecturer (MS) School of Nursing and Midwifery. Iran University of Medical Sciences and Health Services, Tehran. Iran.

³ - Senior lecturer (MS) School of Management and Medical information sciences, Iran University of Medical Sciences and Health Services, Tehran. Iran.